



۱۲- D

مصاحبه مطبوعاتی

مجاهدین خلق ایران

در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری



سازمان مجاهدین خلق ایران

رایگان است



از انتشارات: سازمان مجاهدین خلق ایران

مصاحبه مطبوعاتی

مجاهدین خلق ایران

در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری



سخنان برادر مجاهد «موسی خیابانی»  
«عضو کادر رهبری مجاهدین خلق ایران»

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان ایران

با سلام و تشکر مجدد از خانم‌ها و آقایان که زحمت کشیدند و برای مصاحبه اینجا تشریف آوردند، اجازه می‌خواهم که صحبت را شروع کنم.

موضوع صحبت همانطور که برادرمان گفت مربوط به مسئله‌ی ریاست جمهوری و کاندیداتوری برادر مجاهدمان «مسعود رجوی» می‌باشد که امروز رسماً به مطبوعات اعلام شد. قسمت اول صحبت من، در باره‌ی برخوردی است که ما با جریان انتخابات ریاست جمهوری داشتیم. در این قسمت توضیح خواهم داد که چطور شد که برادرمان «مسعود» را برای این مقام نامزد کردیم. در قسمت دوم صحبتم معرفی مختصری در مورد برادرمان عرض خواهم کرد. بطوریکه شما اطلاع دارید، بعد از پیروزی قیام خلق قهرمان، ما به‌عنوان یک سازمان سیاسی سابقه‌دار، همیشه در صحنه‌ی سیاسی جامعه‌مان حضور داشته و برخوردهای فعالی با مسائلی که پیش می‌آمد داشته‌ایم.

بدیهی است که تمام برخوردها، حرکات و موضعگیری‌هایی که داشتیم، از یک سری اصول پیروی می‌کرد و ما در این برخوردها خط مشخصی را تاکنون دنبال نموده و بعد از این هم انشاءالله دنبال خواهیم کرد. این خط مورد نظر عبارت است از تداوم بخشیدن به انقلاب خلقمان، در جهت مبارزه‌ی ضد امپریالیستی، و کوشش برای ممانعت

از انحرافات احتمالی که ممکن بود و ممکن هست در مسیر این انقلاب پیش بیاید و باعث شود که دستاوردهای انقلابی ما که به قیمت دهها هزار شهید بدست آورده‌ایم، از بین برود. بطور مشخص، ما در این برخوردها به شعار انقلابی «بعد از شاه نوبت امریکا است» وفادار بوده و هستیم. البته همه‌ی موضعگیری‌هایمان از اصول انقلابی، اعتقادی و ایدئولوژیک‌مان، متأثر بوده و از آن منشاء گرفته است؛ اصولی که ما همیشه سعی کرده و می‌کنیم که بدان وفادار باشیم و هرگز حاضر نبوده و نیستیم و باز هم انشاءالله نخواهیم بود که برسر این اصولمان چانه بزنیم و یا سازش کنیم و یا به هر حال آنها را به هر نحوی از انحاء نقض بکنیم. البته باز مستحضر هستید که ما بهای این موضعگیری‌های اصولی را نیز پرداخته‌ایم و هر روز هم می‌پردازیم. یعنی طبیعی است که ما به‌عنوان یک نیروی انقلابی که دارای ایدئولوژی و مشی انقلابی بوده و فکر می‌کنیم هنوز هم هستیم، وقتی موضعگیری‌های اصولی کرده‌ایم، برایمان ارزان تمام نشده است. این موضعگیری‌ها بهائی داشته که ما این بها را بصورت تحمل فشارها، صدمات و لطماتی که در این مدت برای ما از جوانب مختلف پیش آمده پرداخته‌ایم و بدیهی است که باز هم ما همیشه حاضر خواهیم بود بهای موضعگیری‌های انقلابی و اصولی‌مان را بپردازیم. و همانطوریکه عرض کردم، حاضر نخواهیم بود حتی یک ذره، اصول انقلابی خودمان را نقض بکنیم.

در ادامه و در خط همین برخوردها، وقتی که بعد از فراندوم قانون اساسی، در زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مسئله‌ی انتخاب ریاست‌جمهوری به‌عنوان مهمترین مسئله مطرح شد، ما با این مسئله برخورد کردیم. بعد از دقت‌ها و بحث‌های کافی و بعد از بررسی همه‌ی جوانب امر، به این نتیجه رسیدیم که کلیه‌ی نیروهای سیاسی جامعه و منجمله خودمان—چه آنهایی که در فراندوم قانون اساسی شرکت داشتند و چه آنهایی که شرکت نکردند، و با صرف‌نظر از رأیی که به آن دادند، موافق یا مخالف—باید تا آنجائی که جو و فضای سیاسی حاکم بر جامعه اجازه می‌دهد، بکوشند فعالانه با امر انتخابات ریاست‌جمهوری برخورد کنند؛ تا بتوانیم با انتخاب شایسته‌ترین و مناسبترین فرد برای این مقام حساس، حتی المقدور در کادر همین قانون اساسی مصوب، پیشرفت‌ها و پیروزی‌های انقلابی و ضدامپریالیستی هرچه بیشتری را بدست بیاوریم. بنابراین ما تصمیم گرفتیم در انتخابات ریاست‌جمهوری فعالانه شرکت کنیم و بدیهی است که با همین دیدگاه از انتخابات مجلس شورا نیز استقبال خواهیم کرد. اما وقتی تصمیم به شرکت فعال در انتخابات ریاست‌جمهوری

گرفتیم، نخستین مسئله‌ای که برایمان مطرح شد—و قاعدتاً برای هر نیروئی مطرح است—مسئله‌ی کاندیداتوری بود، یعنی اینکه ما چه کسی را برای این مقام و برای این پست نامزد کنیم.

همانطوریکه شما مستحضر هستید ما حدود سه هفته قبل طی اعلامیه‌ای، شخص «امام خمینی» را برای انتخابات ریاست جمهوری ایران کاندید کردیم. دلایل این انتخاب در همان اعلامیه ذکر شد؛ دلیل اصلی‌مان این بود که در اوضاع و احوال کنونی، «امام خمینی» تنها کسی است که می‌تواند در جهت تامین هرچه بیشتر وحدت تمام اقشار و طبقات جامعه، و جلوگیری از تفرقه‌ها و تشتت‌ها، این مقام را حائز بشوند. بنابراین شخص امام از نظر ما مناسب‌ترین فرد برای احراز این مقامند؛ که البته ما الان هم براین نظر هستیم و معتقدیم که باز هم شخص امام، مناسب‌ترین و شایسته‌ترین انتخاب است. اما در جریان برخوردها و بررسی‌هایی که داشتیم متوجه شدیم که گویا امام، تصمیم ندارند که شخصاً این مقام را احراز کنند. لذا ما در صدد برآمدیم برای اینکه همان خط شرکت فعالانه در امر ریاست جمهوری را دنبال کنیم، کاندید دیگری را معرفی کنیم؛ و بنابه دلائلی که بعداً عرض می‌کنم، برادرمان «مسعود رجوی» را نامزد کردیم. اما چرا تا امروز این انتخاب را ما اعلام نکردیم؟

ما منتظر بودیم تا کاملاً از تصمیم امام مبنی بر پذیرش و یا عدم پذیرش مقام ریاست جمهوری، و همچنین از اینکه آیا ایشان نظر خاصی در مورد کس دیگری دارند یا نه، مطلع بشویم. تا اینکه امروز رسماً اعلام شد که امام اولاً نامزد ریاست جمهوری نیستند، و ثانیاً بررسی صلاحیت نامزدها را هم در اولین انتخابات ریاست جمهوری به خود مردم واگذار کرده‌اند؛ و لذا از همین لحظه است که با اعلام رسمی کاندیداتوری برادرمان «مسعود» فعالیت انتخاباتی خود را رسماً پی‌گیری می‌کنیم و امیدواریم همه‌ی نیروها با پایبندی به رهنمودهای امام، که همین امروز در زمینه‌ی انتخابات اعلام شد، در این صحنه فعالانه شرکت کنند. همچنین امیدواریم همه‌ی نیروها، واقعاً به رهنمودهای امام عمل کنند، چرا که عمل به این رهنمودها می‌تواند یک فضای سالم و دموکراتیک برای انتخابات فراهم کند.

دلایلی که باعث شد برادرمان «مسعود» را برای این مقام نامزد کردیم:

این انتخاب بدنبال تشخیص شرائط و خصائصی بود که از نظر ما می‌بایست

یک رئیس‌جمهور، با یک کاندید ریاست جمهوری داشته باشد. ما آن شرائط را بررسی

کردیم، از جمله اینکه ما طالب یک فرد انقلابی بودیم، فردی که انقلاب خلق ما و آرمان‌های انقلابی خلق را عمیقاً درک کرده باشد و در عین حال بتواند بار یک رسالت مکتبی اسلام انقلابی را به دوش بکشد. این رسالتی است که ما از بدو تأسیس سازمان برای آن قائل بوده‌ایم. کسی که با پیش علمی و انقلابی، دشمن اصلی خلقمان را شناخته باشد و همچنین به تضادها و تناقضات موجود در جامعه، اعم از مسئله ملیت‌ها، زنان، مذاهب و مسائل طبقات معروم جامعه بالاخص کارگران و دهقانان، واقف باشد و بتواند در چارچوب آرمان‌های رهائی‌بخش و انقلابی، و متناسب با شرایط کنونی جامعه، یک برنامه‌ی کار داشته باشد. برنامه‌ای که نه ذهنی، بلکه یک برنامه‌ی واقع‌گرایانه و عملی بوده و خلق ما را در مسیر مبارزه‌ی رهائی‌بخش فداامپریالیستی خودش یاری بکند و در این مسیر قادر به حل مسائل باشد. یعنی کاندیدای محبوب ما می‌بایست یک فرد صاحب‌نظر مکتبی، انقلابی، ضد-امپریالیست و در خدمت اقشار و طبقات معروم جامعه باشد، هم‌چنین از نظر ما مهم بود و مهم است که آن فرد، معنی این مسئولیت‌ها، معنی این واژه‌ها و این مسائل را عمیقاً درک بکند، نه اینکه آنها را بعنوان یک سری شعارهای توخالی و تبلیغاتی، صرفاً عنوان کند و بکار برد. بدیهی است که لازمی داشتن چنین درکی انقلابی، گذشتن از کوران مبارزات انقلابی و آبدیده شدن در این کوران است. چنین فردی قاعدتاً باید در چنین میدانی امتحان خود را پس داده باشد. و از طرف دیگر، این فرد باید وسیله‌ی لازم را جهت تضمین صحت، عملی بودن و همه‌جانبی برنامه‌هایش، و وسیله‌ای که اجرای چنین برنامه‌ای را تضمین بکند، داشته باشد. این وسیله از نظر ما همان سازمان و تشکیلات انقلابی است که طبیعی است آن نیز باید در میدان عمل، امتحان خود را پس داده باشد. ما معتقد بوده‌و هستیم که کاندیدای ریاست‌جمهوری باید دارای چنین خصائص و چنین شرایطی باشد و به این ترتیب وقتی بررسی کردیم، تمام این ویژگی‌ها را در وجود برادرمان جمع دیدیم و بدین دلیل بود که برادرمان «مسعود» را نامزد مقام ریاست‌جمهوری کردیم.

از طرف دیگر، به نظر ما نسل جوان انقلابی جامعه‌ی ما، نسل ۱۵ خرداد، نسلی که از خلال خون و آتش با ایثار جان خود، بار اصلی انقلاب رهائی‌بخش خلقمان را به دوش کشیده و الان هم به دوش دارد، نسلی که در واقع صاحب اصلی انقلاب است، چنین نسلی می‌بایست جایگاه شایسته‌ی خود را در صحنه‌ی اجتماعی جامعه‌ی ما و در تاریخ انقلاب رهائی‌بخش خلقمان داشته باشد. به اعتقاد ما، «سازمان

مجاهدین خلق ایران» در مدت ۱۵ سال موجودیت و مبارزه، بخصوص مبارزاتی که در شرایط سخت دیکتاتوری و اختناق آریامهری داشت، و با تقدیم صدها شهید و زندانی، به نوبه‌ی خود این نسل انقلابی را نمایندگی کرده و اکنون با کاندید کردن برادر مجاهدان «مسعود رجوی» برای ریاست جمهوری، قدم دیگری در مسیر تحقق آرمان‌های انقلابی همین نسل و بطور کلی آرمان‌های انقلابی خلق‌مان برمی‌دارد.

بنابراین من به‌خودم حق می‌دهم که از طرف خودم و کلیه‌ی خواهران و برادران مجاهدم این انتخاب را به تمامی خلق‌مان و بخصوص نسل جوان و هم‌چنین کلیه‌ی نیروهای انقلابی تبریک و تهنیت بگویم.

این مجموعه‌ی مسائلی بود که موجب شد، بعد از اطلاع و اطمینان از اینکه امام نامزد مقام ریاست جمهوری نیستند و نظر خاصی هم در مورد کسی ندارند، این انتخاب را بنمائیم.

در اینجا اجازه بدهید که مطالبی هم در معرفی برادر مجاهدان عرض کنم. البته فکر می‌کنم برادر «رجوی» احتیاج به معرفی نداشته باشد، چون همه‌ی آنهایی که در صحنه‌ی انقلاب و در صحنه‌ی سیاست سالهای اخیر میهن ما - یعنی در سالهای دهه ۵۰ - حضور داشته‌اند، نام «مسعود» را شنیداند و با وی آشنا هستند. بعلاوه معرفی کردن این برادر هم برای خود من و فکر می‌کنم برای هر مجاهد و هر عضو سازمان ما نیز کار آسانی نباشد، چرا که ما برحسب سنت‌های انقلابی سازمان عادت نداریم که افراد را تمجید و ستایش کنیم و معمولاً از چنین امری پرهیز کرده‌ایم. اما از طرفی دیگر، در شرایط کنونی، مسئولیت‌های انقلابی‌مان ایجاب می‌کند تا ما به به‌معرفی کاندیدایمان در سطح وسیع‌تری از نیروها و توده‌ها پردازیم؛ یعنی این کار قاعدتاً نه ستایش و نه مدیحه‌سرایی، بلکه یک وظیفه است. یک مسئولیت است که شخص خود من نیز در انجام آن قاعدتاً متعهد هستم که فراتر از واقعیت‌ها سخن نگویم (اگر چه به نظر خودم مادون واقعیت‌ها صحبت خواهم کرد). یعنی از تعاریف و توصیف‌های غیرواقعی که معمولاً در صحنه‌ی سیاست رایج هست، پرهیز خواهم کرد. چون در بین برادران سابقه‌ی طولانی‌تری در آشنایی و هم‌رزمی با برادرم دارم، این وظیفه معرفی را هم شخص خودم بعهده گرفتم، هرچند متأسفانه فرصت کافی هم برای این کار نیست.

برادرمان «مسعود رجوی» یکی از اعضای قدیمی «سازمان مجاهدین خلق» است. در سال ۵۰ هم‌زمان با ورود به دانشگاه به عضویت سازمان درآمد و تنها فرد



باقی مانده کمیته مرکزی سازمان در سال‌های پیش از ۵۰ است. سال‌های پیش از ۵۰ سازمان ما دارای کمیته مرکزی بود که با حوادثی که در سال ۵۰ و یکی دو سال بعد از آن بر ایمان اتفاق افتاد، کلیه اعضای کمیته مرکزی سازمان ما به شهادت رسیدند و تنها برادرمان «مسعود» باقی ماند. از همان سالی که ایشان به عضویت سازمان درآمدند، تا زمان دستگیری، عهده‌دار مسئولیت‌های مختلفی در سازمان بوده و در زمینه‌های مختلف سیاسی و ایدئولوژی، پیوسته بعنوان یک عضو مسؤل جامع و ارزشمند از طرف بنیانگذاران و رهبران سازمان تلقی می‌شد. در سال ۴۶ سازمان ما در مسیر اجرای همان رسالت مکتبی که قبلاً عرض کردم، یک گروه ایدئولوژی ایجاد کرد. این گروه ایدئولوژی مسؤل بود که در زمینه ایدئولوژی اسلام به مطالعه و تحقیق پردازد و دستاوردها و آموزش‌های ایدئولوژیک سازمان را تدوین کند. در این گروه برادرمان «مسعود» در کنار برادر شهیدمان «حنیف‌نژاد» فعالیت می‌کرد و این مسئولیت را برعهده داشت. در سال ۴۹، زمانی که سازمان ما برای اقدامات و عملیات نظامی آماده می‌شد، جهت طی دوره‌ی نظامی و کسب آموزش‌های چریکی، همراه تعدادی دیگر از برادران اعضای سازمان روانه‌ی فلسطین شد. در مذاکراتی که در آن سال ما با سازمان الفتح داشتیم، شرکت نمود و در کنار برادر شهیدمان «بدیع‌زادگان» و همزمان با جنگ‌های سپتامبر سال ۱۹۷۰ در اردن، در اردوگاه‌های نظامی الفتح، در کنار چریک‌های فلسطینی از انقلاب و آرمان فلسطین دفاع نمود. در پائیز همان سال به ایران مراجعت کرد و در کنار دیگر رهبران و اعضای کمیته مرکزی سازمان، به فعالیت‌های خود ادامه داد. آن زمان فعالیت‌های سازمان عمدتاً در زمینه تدارک برای عمل نظامی و سازماندهی جهت ورود به چنین صحنه‌ای بود. اول شهریور سال ۵۰ در جریان ضربه‌ی بزرگی که ساواک بر سازمان ما وارد کرد— که داستان مفصلی دارد— برادرمان همراه تعداد دیگری از اعضا و رهبران سازمان دستگیر و زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی ساواک شاه قرار گرفت. پس از تحمل ۷ ماه شکنجه و بازداشت، همراه دیگر رهبران سازمان، در محاکم نظامی شاه، محاکمه و به اعدام محکوم گردید. شاید به خاطر داشته باشید که آن زمان، رژیم، زیر اجبارات و فشارها به یک دادگاه بالنسبه علنی برای گروه اول اعضای سازمان که محاکمه می‌شدند تن داد، برادرمان در همان دادگاه به اصطلاح محاکم شد دفاعیات مسعود که ضمن آن در کنار برادران شهید «ناصر صادق»، «علی میهن دوست»، «محمد بازرگانی» و «علی باکری» رژیم شاه را به محاکمه کشیده و از آرمان

و ایدئولوژی مجاهدین و انقلاب مسلحانه دفاع نموده است، بعداً در سطح وسیعی تکثیر و منتشر شد، البته بطوری کاملاً ناقص، چون آنموقع اشکالات زیادی در امر انتقال دفاعیات به بیرون از دادگاه و زندان وجود داشت. به هر حال همین دفاعیات مورد استفاده‌ی وسیع انقلابیون جهان قرار گرفت. تلاش‌ها و فشارهای داخلی و بین‌المللی که در آن سال جهت جلوگیری از اعدام مجاهدین به رژیم شاه وارد شد و بخصوص فشارهای شخصیت‌های علمی و سیاسی بین‌المللی در مورد برادرمان «مسعود» - که البته مدارک آن‌ها هم موجود است - موجب شد که رژیم از اعدام وی صرف‌نظر کند. پس از اینکه برادرمان ۲ ماه در زندان، با اصطلاح در زیر اعدام به سر برد، حکم اعدام وی با یک درجه تخفیف به زندان ابد تبدیل شد. البته بدیهی است که رژیم شاه و عمال ساواک طبق رویه و سیاست معمول خود به کوشش مفتضحانه‌ای دست زدند تا از این اقدام که بالاجبار به آن تن در داده بودند (یعنی صرف‌نظر کردن از اعدام برادرمان) بیشترین بهره‌برداری را بکنند و با جعل دروغ‌هایی از قبیل همکاری و امثال آنها، اعدام نشدن وی را توجیه کنند. تلاش‌های رسوائی که گرچه در تمام طول مدت زندان وی نیز ادامه داشت. اما طبیعتاً مثل همیشه، تفسیرهای شیطانی شاه و عمالش پیوسته نقش برآب بود. بدیهی است که در طول مدت زندان نیز برادرمان «رجوی» از پیگیری مسئولیت‌ها و وظائف مبارزاتی و انقلابی خود لحظه‌ای غافل نبود. مسئولیت‌هایی که در زندان در شکل تربیت کادر، دادن روحیه مقاومت و استقامت به زندانی‌ها و تلاش‌های تئوریک در جهت تکمیل و غنی‌تر کردن دستاوردهای سیاسی و بخصوص ایدئولوژیک سازمان، خود را نشان می‌داد. مسئولیت‌های زندان در آن زمان این چیزها بود.

بنابر این در زندان نیز برادرمان تحت تعقیب و تحت نظر پلیس و همچنین مورد حساسیت فوق‌العاده‌ای از طرف ساواک بود. هر زمان که رژیم ضربه‌ای به زندان و زندانیان وارد می‌کرد، «مسعود» جزء اولین کسانی بود که این ضربه بر او وارد می‌شد، چرا که پلیس و ساواک از نقش وی در زندان مطلع بود. بطور مشخص در سال ۵۲ - آنهایی که در آن سالها زندان بوده‌اند یادشان می‌آید - سیاست رژیم در زندان‌ها دستخوش تغییر شد و به خشونت‌گرایی، فشارها و ضربات دیگری را پلیس زندان که در رأسش زمانی معدوم و سرهنگ محرری فراری بود بر زندانیان وارد می‌کرد. در این رابطه برادرمان، ماهها زیر شکنجه و آزار قرار گرفت و مدت‌های مدید در زندان‌ها و سلولهای انفرادی و زندان‌های عادی بسر برد. طبیعی است که

پلیس، ساواک و تمام ارگان‌های رژیم‌شاه سعی می‌کردند زندانیان را زیر این فشارها به تسلیم وا دارند و عناصر مسئول در زندان و منجمله برادرمان سعی داشتند که این نقشه رژیم را خنثی کنند. در اواخر سال ۵۳ در اثر اوجگیری عملیات انفلابی، رژیم در واقع دچار یک سرسام و وحشت شد و دیکتاتوری شاه اوج تازه‌ای گرفت. که اگر یادتان باشد، تقریباً همزمان با اعلام تأسیس حزب رستاخیز بود. به هر حال، این دیکتاتوری و اوج گرفتن آن در زندان هم خود را نشان داد و تأثیرات خود را به جای گذاشت. رژیم که دچار وحشت و سرسام شده بود، به انتقام‌گیری از زندانیان پرداخت؛ بخصوص که برخی روابط بین بعضی عناصر زندان و فعالیت‌های آنها با حرکات بیرون را توانسته بود کشف کند. در این موقع برادرمان «مسعود» از زندان قصر به زندان کمیته که در آن زمان شکنجه‌گاه اصلی ساواک بود منتقل شد و مجدداً برای چندماه دیگر زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جلادان ساواک قرار گرفت. افرادی که آنزمان‌ها زندان بوده‌اند، شاید یادشان باشد که برادرمان سه‌چهارمرتبه و یا بیشتر از شکنجه‌گاه کمیته به بیمارستان منتقل شد و مجدداً به شکنجه‌گاه بازگشت. به هر حال، ادامه‌ی این وحشیگری‌های رژیم به تیرباران کردن ۹ نفر از زندانیان، در تپه‌های اطراف اوین انجامید که فکر می‌کنم جریان آنرا همگی شنیده‌اید. این اعدام زندانیان، خود مظه‌ری از اوج جنون‌آمیز دیکتاتوری رژیم‌شاه بود. برحسب اطلاعات مستندی که ما بعداً بدست آوردیم و همچنین اظهارات صریح بازجوها و عناصر ساواک، گویا قرار بود برادرمان «مسعود» دهمین نفر آن‌گروه باشد، که خوشبختانه باز هم محذورات رژیم مانع این اقدام شد. رژیم نتوانست این کار را بکند و یک‌بار دیگر خداوند لطف خودش را شامل حال ما و شامل حال خلقمان کرده بود. بعد از آن، یعنی در سال‌های ۵۴ و ۵۵ که فشار رژیم و ساواک بر زندان‌ها ادامه داشت، برادر «مسعود» از زندان قصر و کمیته به زندان اوین منتقل شد. در آنجا نیز چند بار بین کمیته، اوین و بیمارستان، رفت و آمد کرد. این وضع تا زمانی که فضای سیاسی شروع به تغییر نمود، ادامه داشت. در اواخر سال ۵۵ بازتاب این تغییر در زندانها به صورت کاهش فشار، خود را نشان داد. و این همزمان بود با ورود کمیته‌ی صلیب‌سرخ جهانی به ایران و بازدید از زندانیان سیاسی.

اما مسئولیت بسیار سنگین‌تری که برادرمان «مسعود»، آنرا به‌دوش کشید— و حتماً فشارهایی که در این رابطه تحمل کرد، به‌مراتب از فشارها و شکنجه‌های ساواک بیشتر بود—مربوط به سال ۵۴، یعنی بعد از علنی شدن ضربه‌ای که از طرف

اپورتونیست‌های چپ‌نما به سازمان وارد شد، می‌باشد. ضربه‌ای که اپورتونیست‌ها آنها تغییر ایدئولوژی سازمان اسم گذاشتند. با این ضربه و در ادامه‌ی آن، در واقع سازمان ما متلاشی شد. آثار ویرانگر و مخرب ضربه‌ی اپورتونیست‌ها، علاوه بر بیرون، در زندانها نیز خود را نشان داد. فقط در یک محیط کوچک، یعنی در زندان‌اوین بود که یک مقاومت اصولی، در شرائطی بسیار سخت و طاقت‌فرسا، در مقابل جریان اپورتونیستی چپ‌نما و آثار مخرب آن شروع شد. «مسعود» کسی بود که این جریان مقاومت را رهبری نمود، و همین مقاومت بود که بالاخره به تجدیدحیات و بازسازی «سازمان مجاهدین خلق ایران» انجامید.

ضربه‌ی اپورتونیست‌های چپ‌نما و گسترش امواج فراگیر آن، منجر به این شد که جریان‌های انحرافی و ارتجاعی در درون جنبش خلق ایجاد شود. درکنار این جریان‌های ارتجاعی و انحرافی، آثا این ضربه در درون زندانها خود را به صورت یأس و تسلیم‌طلبی و انفعال نیز نشان داد. طبیعی بود که پلیس هم نهایت کوشش را داشت تا از زمینه‌ای که این ضربه ایجاد کرده بود، در جهت منفعل کردن زندانیان و واداشتن آنها به تسلیم استفاده کند. اما مهمتر از همه این بود که با ضربه‌ی اپورتونیست‌های چپ‌نما، ایدئولوژی سازمان ما در معرض تردید قرار گرفت و می‌رفت که نسل انقلابی جامعه‌ی ما که در ایدئولوژی مجاهدین چهرمی اصیل و سیمای انقلابی اسلام را دریافته و آن را در عمل تجربه می‌کرد، مجدداً دچار یأس و سرخوردگی شود. در این شرایط در عین حال که ما می‌بایست کوشش می‌کردیم تا در درون زندانها جلوی انفعال و تسلیم‌طلبی را بگیریم، و روحیه‌ی استقامت و امید انقلابی را در زندانیان، به‌خصوص در زندانیان مسلمان زنده نگه داریم، وظیفه و مسئولیت سنگین‌تری داشتیم که عبارت بود از دفاع و حراست از میراث ایدئولوژیک سازمان، میراثی که عرض کردم در معرض تهدید و سؤال و ابهام قرار گرفته بود. این واقعاً یک مسئولیت و یک رسالت سنگین و تاریخی بود، که بار اصلی این مسئولیت را، برادرمان «مسعود» برعهده داشت. و همان‌طور که جریان امور اثبات کرد او توانست به‌خوبی از عهده‌ی اجرای این مسئولیت برآید. چرا که ما دیدیم، سازمان مجاهدین سرانجام توانست خود را احیا و بازسازی کند و با قدرت و توانی حتی بیشتر از پیش، در صحنه‌ی سیاسی و انقلابی جامعه‌ی ما وارد بشود، به‌خصوص نکته‌ای که من می‌توانم روی آن تأکید بکنم، انجام همان مسئولیت و رسالت مکتبی بود که برادرمان توانست آنها رهبری کرده و ایدئولوژی سازمان مجاهدین را به

عنوان پیامی برای نسل انقلابی و روشنفکر جامعه‌مان حفظ کند.

در اول بهمن ماه سال ۵۷ برادرمان «مسعود»، جزء آخرین گروه زندانیان سیاسی در اثر اوج‌گیری مبارزات و انقلاب شکوهمند خلقمان، از زندان آزاد شد. جریان حرکات، آثار و موضعگیری‌های سازمان بعد از پیروزی قیام نیز که توسط برادرمان «مسعود» رهبری شده است، برای همه روشن بوده و احتیاجی به گفتن ندارد. به این ترتیب برادرمان هفت‌سال‌ونیم را در زندان گذراند و با توضیحاتی که دادم، وی به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای، تمام زندگی خود را وقف حرکت انقلابی و رهائی‌بخش خلقمان و انجام مسئولیت ایدئولوژیک در جهت ارائه‌ی سیمای اسلام راستین و انقلابی کرده و هیچ اشتغال و مشغله‌ی دیگری غیر از اشتغالات سیاسی در چهارچوب «سازمان مجاهدین خلق» نداشته است. البته به لحاظ تحصیلات و درجه‌ی تحصیلی، برادرمان دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران را در رشته‌ی علوم سیاسی به پایان رسانده است.

به‌رحال اینک سازمان ما افتخار می‌کند که در مسیر انجام مسئولیت‌های انقلابی و مکتبی خود، برادر «مسعود» را به‌عنوان نخستین کاندیدای ریاست‌جمهوری معرفی بکند. ما امیدواریم که این انتخاب از سوی کلیه‌ی نیروهای اصیل انقلابی مورد تأیید و حمایت قرار بگیرد. در مورد برنامه‌هایی که مورد نظر سازمان ما هست، برادرم خودش توضیحات لازم را به‌اطاعتان خواهند رساند.

خیلی متشکرم.

## سخنان برادر مجاهد «مسعود رجوی»

### «عضو کادر رهبری و نامزد انتخاباتی ریاست جمهوری مجاهدین خلق ایران»

#### بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران عزیز همانطوریکه برادرم اشاره کرد، ما با حفظ نقطه- نظرهای آرمانی و سیاسی مان در کادر قانون اساسی مصوب، برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری اعلام آمادگی کردیم. بخصوص که به منظور رفع نواقص و تکمیل قانون اساسی، از پیش ضرورت تجدیدنظر و تدوین متمم مورد تأیید قرار گرفته است. اجازه بدهید قبل از اعلام برنامه‌ی کار، مقدماً نظری به اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی کنونی میهن مان حول مشکل و تضاد اصلی یعنی مسئله‌ی امپریالیزم، بیاندازیم.

ما الان در کوران یک انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی و اسلامی قرار داریم. مرحله و قدم اول یعنی مبارزه‌ی ضد سلطنتی را تحت رهبری‌های قاطع امام خمینی با موفقیت پشت سر گذاشته‌ایم و وارد مرحله‌ی پیچیده‌تر و مشخصاً ضد- امپریالیستی، شده‌ایم. توطئه‌های مداوم امپریالیست‌ها در میهن مان نیازی به تشریح و توضیح بیشتر ندارد. آنها می‌خواستند با تثبیت موقعیت اصلاح طلب‌ها، انقلابیون واقعی را از دور خارج کنند. و با تقویت پایگاه‌های ارتجاعی و سازشکار، مقدمات بازگشت مجدد اوضاع قبلی را فراهم کنند. به این جهت بود که طی ماه‌های گذشته، انقلاب ما دچار یک سری نوسانات نزولی و قهقرائی و تفرقه‌انگیز شد. ولی خوشبختانه با الهام از نقطه‌نظرهای ضد امپریالیستی امام خمینی، دانشجویان قهرمان پیرو خط

امام، شور ضد امپریالیستی جدیدی را برانگیختند و دومرتبه انقلاب ما را در روال واقعی خودش قرار دادند. طبیعی است که به اعتقاد ما این خطوط ضد امپریالیستی باز هم بایستی بیش از پیش گسترش و تعمیق بیابد، تا اتحاد تمامی خلق را میسر بکند. آنچه گفتم مربوط به اردوی انقلاب بود، اما در اردوی دشمن (اردوی امپریالیست‌ها) امریکائی‌ها توانستند بعد از این قضایای اخیر، وحدت درونی خودشان را به قول خودشان تأمین بکنند. همچنین در صدد ایجاد وحدت اروپا و امریکا علیه انقلاب ایران برآمده و اقداماتی نیز در این زمینه انجام دادند. بطوریکه ما امروز شاهد یکپارچگی امپریالیستی در جهت محاصره سیاسی و اقتصادی ایران هستیم و نمونه‌ی مشخص آن را در زمینه‌ی ارزی و نفت دیدیم. همچنین آمادگی‌های آنها را برای هجوم نظامی، توطئه، اخلال و تفرقه‌اندازی— با توجه به تهدیدات صریحشان— شاهد بودیم. تمام این جریان‌ها حداکثر آمادگی و هوشیاری ما را که در رأس آنها حفظ وحدت قرار دارد، طلب می‌کند. وحدتی که بایستی در انتخابات، به صورت مشت محکمی به دهان امپریالیست‌ها و پایگاه‌ها و ایادی داخلیشان نمایان شود.

به این ترتیب خلق ما بایستی در انتخابات نشان بدهد که یکپارچه و پشت سر امام آماده است تا آخرین نفس، این جهاد مقدس ضد امپریالیستی را ادامه دهد. بله، در این صورت اگر امریکا قصد هجوم دارد، ما همه‌ی خلقهای جهان را به ویتنامی دیگر بشارت می‌دهیم! البته با چنین دشمن غداری، نبرد سنگین و طولانی است. ولی درست از لحظه‌ای که ملت شهادت و مرگ سرخ را بر ننگ تسلیم ترجیح می‌دهد، شکست ناپذیر می‌شود و به این ترتیب باز هم ما در ویتنامی دیگر پوزه‌ی امپریالیسم را به خاک خواهیم مالید.

بنابراین بگذارید همچون گذشته صراحتاً اعلام کنیم که ما در خطوط ضد-امپریالیستی، سربازان یکدل و یکپارچه‌ی امام خمینی هستیم و در همین رابطه خواستار ایمنی و سلامت هرچه بیشتر امام خمینی می‌باشیم. در این که ما یقین داریم که تا وقتی امام هست و خطوط ضد امپریالیستی قاطعانه استمرار دارد فی الواقع— همانطور که امام گفتند— امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. با این همه اجازه دهید از زبان حال تمام انقلابیون ایران تأکید بکنم که از قضا هیچ چیز فرخنده‌تر و با ثمرتر از چنین حمله‌ای نخواهد بود. چرا که بی‌تردید ما ایران را گورستان دیگری برای امپریالیسم خواهیم کرد. و طاغوت بزرگ جهان را یک گام اساسی دیگر به زوال تاریخی‌اش نزدیک خواهیم کرد. و از این طریق خودمان هم یک گام اساسی دیگر به آرمان

نهایی‌بان، یعنی استقرار جامعه‌ی عاری از ستم، عاری از طبقات و عاری از استثمار نزدیک خواهیم شد. یعنی همان ایده‌آل نهائی همه‌ی مبارزات حق‌طلبانه‌ی بشری، ایده‌آل تمام انبیاء، رنجبران و مستضعفان تاریخ و همه‌ی انسانهای مسئول، آزاده و به‌ویژه موحدین انقلابی و مسلمانان راستین.

اما در رابطه با شرایط موجود:

**ما به مسئله‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری فراتر از یک انتخابات صرف و به‌مثابه**

**یک آزمایش بزرگ در روند شکوفائی ضدامپریالیستی انقلاب‌بان—انقلاب رهائی بخش اسلامی—نگاه می‌کنیم؛** برای اینکه اگر انتخاباتی که به‌عمل می‌آید انتخابی شایسته باشد، اگر انتخابی واقعی و ضدامپریالیست باشد اگر در نتیجه چنین انتخابی اتحاد و اتفاق تمام خلق تحکیم شود و اگر نیروهای انقلابی راستین موقعیت خوبی پیدا بکنند، این بخودی‌خود پیروزی بزرگ سیاسی بر علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی واپسگرا و سازشکارش خواهد بود. چراکه رشد مردم ایران، اراده‌ی صیقل‌زده و آزادی‌خواه و ضدامپریالیست آنها، و عزم و جزم ما در رهائی از هر قید و ستم استبدادی، استعماری و استثماری به‌اثبات خواهد رسید. چراکه نشان خواهد داد که تمام ایران علی‌رغم طرز تفکرها و نظریات و کاندیداهای مختلف، در کنار امام بر علیه دشمن امپریالیست متحد و یکدست هستند. و این بدان معنی است که امپریالیست‌ها نخواهند توانست مشکلات و مسائل داخلی ما را به‌سود خودشان دامن زده و سمت بدهند. روشن است که شرایط وصول به‌این پیروزی و نثار کردن مشت محکم تمام خلق به‌دهان امپریالیست‌ها، واجد اهمیت خیلی زیاد است. منظورم شرایط، شکل، ضوابط، انضباط و اخلاق و رفتار حاکم بر انتخابات خواهد بود که برادران دیگرمان در همین جلسه به‌اختصار در موردش توضیحاتی به‌عرض شما خواهند رساند.

بنابراین مضافاً بر آنچه برادرم «موسی» گفت: **ما شرکت فعال تمام نیروها را در باروری انقلابی هرچه بیشتر این انتخابات طالب هستیم. به‌ویژه که اینک امام امر تشخیص صلاحیت و تعیین سرنوشت را به‌خود ملت واگذار کرده‌اند. اکنون دیگر بر خود ماست که با حضور فعال در یک انتخابات واقعی، آزاد و سالم، رشد سیاسی و اجتماعی‌بان را نشان بدهیم. از طرف دیگر بایستی به‌این حقیقت توجه کرد که حضور فعال ما (مجاهدین) در صحنه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری، سبب یک آزمایش بزرگ تاریخی دیگر هم هست، آزمایشی که از هر حیث این انتخابات را از نظایرش در**



کشورهای دیگر ممتاز می‌کند، تفاوت و تغییری کیفی، و شاید هم تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز. چراکه شاید در تاریخ سازمانهای انقلابی مسلح (تاریخ معاصر) این جدیدترین تجربه‌ای باشد که بر حسب آن، سازمانی که در دوران دیکتاتوری سلطنتی به مبارزه‌ی شهری پارتیزانی اشتغال داشته، در میدان مبارزات سیاسی کاندیدای ریاست‌جمهوری بشود. بی‌تردید اهمیت این تجربه آنقدر است که در تاریخ تمام سازمانهای انقلابی و مسلح جهان ثبت خواهد شد و توجه همه‌ی آنها را برخواهد انگیخت. به همین دلیل ما بدون اینکه در فکر و خیال برد و باخت بوده، یا عنوان و مقام، نظریان را جلب کرده باشد (کما اینکه طی این مدت لااقل این را به اثبات رساندیم که از ابتدای انقلاب هم، در پی چنین چیزهایی نبوده‌ایم) موفقیت نفس این تجربه را که از جمله مشارکت فعال نیروهای انقلابی می‌باشد، آرزو می‌کنیم. پیروزمندی این تجربه، شاید به نوبه‌ی خود، یکی دیگر از مهمترین نتایج انقلاب رهائی‌بخش، ضدامپریالیستی و اسلامی ایران باشد.

بعد از این مقدمه اجازه بدهید که به تشریح برنامه‌ی خودمان پردازیم، برنامه‌ای که در آن آزادی، پیشرفت، وحدت و استقلال ملی ما محقق می‌شود. بدیهی است که بر حسب نقطه‌نظرهای اسلامی ما، جوهر چنین برنامه‌ای، تحقق اسلام انقلابی حول محورهای یکتاپرستانه‌ی ضدیت با استبداد، استعمار و استثمار می‌باشد که در کادر برنامه‌ی حداقل که در تاریخ ۲۷ اسفندماه گذشته منتشر گردید و خدمت مطبوعات هم تقدیم شد، ارائه گردیده است. قبل از تشریح برنامه، اجازه بدهید که رئوس موارد دوازده‌گانه‌ی آنرا بخوانم.

## رئوس برنامه‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری «سازمان مجاهدین خلق ایران»

- ۱- شورا‌های مردمی.
- ۲- وحدت ضدامپریالیستی تمام خلق.
- ۳- استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت مردم.
- ۴- آزادی کامل احزاب، عقاید، مطبوعات.
- ۵- حقوق ملکیت‌ها.

- ۶- ارتش بیست‌میلیونی خلق.
- ۷- برابری زن و مرد.
- ۸- مساوات اسلامی تشیع و تسنن.
- ۹- زمین برای دهقان، کار برای کارگر.
- ۱۰- مسکن، بهداشت و تحصیلات برای همه.
- ۱۱- مبارزه با هرج و مرج، تأمین آسایش اجتماعی همه‌ی مردم.
- ۱۲- حمایت از تمام جنبش‌های انقلابی ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استثماری خلق‌های جهان.

### تشریح مختصر برنامه‌ها

- ۱- تشکیل شوراهای مردمی، برای اداره‌ی امور مختلف سیاسی و اقتصادی (اعم از بخش‌های تولیدی، توزیع، و سایر مؤسسات دولتی و خصوصی) کشورمان، به منظور تأمین حکومت مردم بر مردم.
- ۲- تأمین وحدت ضد امپریالیستی تمام خلق از طریق:
  - الف- افشاء و لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی در زمینه‌های سیاسی اقتصادی، نظامی و فرهنگی.
  - ب- ملی کردن تمام سرمایه‌های وابسته.
  - ج- رشد تولیدات ملی اعم از کشاورزی و صنعتی برای مقابله با وابستگی‌های اقتصادی.
  - د- در مقطع کنونی، مبارزه‌ی ما بر علیه امپریالیزم، همچنانکه امام نیز اشاره داشته‌اند نباید فقط به استرداد شاه خائن محدود شود. این تنها یکی از خواسته‌های حقه‌ی خلق ماست، بلکه این مبارزه بایستی تا قطع کامل تمام وابستگی‌ها به امپریالیسم و در رأس آن امریکا، ادامه یابد.
- ۳- استقلال، تمامیت ارضی و تأمین حاکمیت مردم ایران بر سرنوشتشان. در همین رابطه سیاست خارجی ما بایستی بر مبنای عدم تعهد استوار باشد.
- ۴- تضمین آزادی کامل عقیده، بیان، قلم، مطبوعات، احزاب و کلیه اجتماعات سیاسی و صنفی با هر عقیده و مرام.
- ۵- تأمین حقوق ملیت‌ها در کلیه‌ی مناطق کشور اعم از غرب و شرق و شمال و

— بمنظور تأمین حقوق مردم کردستان در تعیین سرنوشت خویش و بمنظور تحقق مفاد پیام تاریخی ۲۶ آبان «امام خمینی» درباره‌ی کردستان، طرح ۲۶ ماده‌ای هیأت نمایندگی خلق کرد را— صرفنظر از بررسی تک تک مواد آن— در مجموع، مبنای قابل بحث و آرمان مناسبی، برای حل و فصل نهائی مسأله‌ی کردستان تلقی نموده، و با تأکید بر استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران، خواستار طرح و بررسی آن در کلیه‌ی مراجع مسئول و به‌ویژه شورای ملی صلح کردستان (پیشنهاد سازمان مجاهدین خلق ایران) می‌باشیم.

۶— بنیان‌گذاری ارتش مردمی با روابط درونی انقلابی و مردمی که تنها وظیفه آن دفاع از مرزهای ملی و مقابله با تجاوز خارجی است.

— تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی خلق یا میلیشیا (چریک نیمه‌وقت) مردمی برای مقابله توده‌ای با حملات و تهدیدات امپریالیستی.

۷— تضمین شرایط و حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مساوی برای زنان و مردان کشور.

۸— استقرار مساوات اسلامی میان شیعیان و برادران اهل تسنن، و رفع تبعیض بین کلیه‌ی اتباع ایران اعم از تشیع و تسنن و سایر مذاهب و ادیان توحیدی.

۹— زمین برای دهقان، کار برای کارگر (برحسب نقطه‌نظرهای اسلامی‌مان «الزرع للزارع ولوکان غاصباً» محصول زمین مال کسی است که روی آن کار می‌کند، ولو غصبی باشد).

در همین رابطه:

الف— لغو همه‌ی بدهی‌های دهقانان به دولت و کلیه‌ی تحمیلات رژیم پیشین به دهقانان.

ب— تضمین کمکهای فنی و مالی به دهقانان به منظور ایجاد شرایط لازم برای رشد تولید کشاورزی براساس شورائی.

ج— لغو همه‌ی قوانین و مقررات ضد کارگری، و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران.

۱۰— تأمین حق کار، مسکن، معیشت، آموزش و بهداشت برای عموم مردم بخصوص کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، اصناف و کارمندان کم‌درآمد.

۱۱— مبارزه با هرج و مرج، تأمین آسایش اجتماعی همه‌ی مردم (فکر می‌کنم

همه با این مفهوم آشنا هستیم، بخاطر اینکه مسئولیت‌ها مشخص نیست و حساب و کتاب‌ها به اندازه‌ی کافی محکم نیست، تأمینات اجتماعی لازم وجود ندارد که قطعاً بایستی ایجاد شود).

۱۲- حمایت از تمام جنبش‌های انقلابی ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استثماری خلقهای جهان (مضمون یکی از بارزترین پیام‌های «پدر طالقانی»، آنجا که گفت «هر جا که مبارزه‌ای علیه استبداد، استعمار و استثمار هست، آن مبارزه اسلامی است»).

— منجمله مبارزه با صهیونیسم در تمام سطوح و تحریم سیاسی و اقتصادی دولتهای نژادپرست از قبیل اسرائیل، رودزیا و افریقای جنوبی و حمایت فعال مادی و نظامی از انقلاب فلسطین.

در انتها لازم می‌دانم چند نکته خیلی مهم را که مورد اشاره برادرم «خیابانی» نیز قرار گرفت تأکید بکنم. نکاتی که خصوصیات کاندیداتوری ما را تشکیل می‌دهد و اساساً برنامه‌مان با این نکات مشخص می‌شود، به نظر ما مسئله‌ی بسیار مهم‌تر از برنامه دادن و عنوان کردن شعارهایی که چه بسا دل‌نشین و شکیل هم باشد، اجرای آن، یعنی بطور دقیق‌تر، برخورداری از لوازم و ضروریات اجرا، می‌باشد. چه بسیار برنامه‌هایی که به قول قرآن فقط «قولهم بافواهم» یعنی فقط گفتار لفظی باشد. برنامه‌هایی که از گفتن، نوشتن و یا تبلیغ کردن تجاوز نکرده است. بنابراین برعهده‌ی من است که در برابر مردم میهنم - که شما رابطن مطبوعاتی آنها هستید - براین موارد تصریح کنم که:

۱- من به دلیل سوابق عملی جریان خونباری که افتخار همگامی با آن را ضمن سالهای طولانی دیکتاتوری و اختناق داشته‌ام، برعهده می‌گیرم که همه‌ی برنامه‌ها و حرفهائی را که در اینجا زدیم، کلمه به کلمه و حرف به حرف جامه‌ی عمل بپوشانم. گذشته‌ی «مجاهدین خلق» جز ایستادگی خونبار و صبر و مقاومت انقلابی در برابر شکنجه و فشار چیزی نیست و در آینده هم که انشاءالله جز این نباشد. غیرممکن است که بتوان «مجاهد خلق» را به ابراز عقیده و نظر و اعلام شعاری واداشت که به آن عقیده‌مند نیست. و درست به همین دلیل در آینده نیز، ما فارغ از هر عافیت‌جویی و مصلحت‌گرایی، بر آنچه که اعتقاد داریم و به آن عشق می‌ورزیم و اعلام می‌کنیم، پای خواهیم فشرده. تمام شهدای ما - چنانکه تمام زندگان ما - در گرو چنین ایستادگی و صداقتی هستند.

۲- من به معنای، جوانب و الزامات تمام عیار برنامه‌ی اعلام شده آگاهم، این امر به دلیل مجموعه‌ی آگاهی‌های سازمانی است که سالها از آن تغذیه کرده‌ام. لذا بخوبی، به قول علی (ع) به معنای «سقطات الالفاظ» «گفتارهای بی‌عده» آشنا هستم و می‌دانم که تحقق هر برنامه و شعاری با چه الزامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همراه است. مثلاً آگاهم که مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در اعماق اصیل خود، با گسترش آزادی‌های مردمی، و بسیج تمام اقشار و طبقات خلق رابطه عجیب و تنگاتنگ دارد، که براساس آن بایستی از هر نوع تفرقه و انشقاق و انحراف خودادری کرد. آگاهم که مسائلی از قبیل مسکن، بهداشت، بیکاری و امثالهم و حتی ترافیک قویاً در رابطه با بنیادهای استعماری و استثمارگری ای هست، که این مسائل را ایجاد کرده‌اند.

۳- ما وسائل تحقق این برنامه را که اساساً اتکاء به یک سازمان متشکل انقلابی است در اختیار داریم. نسلی مشتاق و تطهیر شده به خون و مکتب، که جز خدا و خلق را در نظر نداشته و آزمایش عملی خودش را در میدان مبارزه، پس داده‌اند. جوانانی برازنده، پا کباخته، با عهدی خونین و شرربار که از هیچ مشکلی در راه اسلام و خلق نه‌راسیده و نمی‌هراسند.

۴- و مهمتر از همه، بنیاد برنامه و کار ما بر مکتب خدائی و خلقی‌ای استوار است که راه‌گشای حرکتی یگانه‌ساز، بر ضد هرگونه استبداد و استعمار و استثمار می‌باشد؛ نظرگاهی پاک، حق‌طلبانه، یکست که با خلاصه کردن مفهوم زندگی در عقیده و جهاد، برای تمام بشریت آزادی‌طلب و تحت ستم، خجستگی و رهایی را بشارت می‌دهد. و البته می‌دانیم که زندگانی و کار و حرکت بر طبق یک مکتب و مرام انقلابی، زیستن، عشق ورزیدن و مردن با آن، چه کار دشوار و در عین حال عظیمی است.

برادرم «عباس داوری» نکات دیگری را به عرضتان می‌رساند. متشکرم.

## سخنان برادر مجاهد «عباس داوری» «عضو کادر رهبری مجاهدین خلق ایران»

با اجازه‌تان من فقط به چند تذکر اکتفا می‌کنم: با توجه به این که از هر میزان دموکراسی موجود در جامعه باید استفاده کرد، ما از کلیه نیروهای سیاسی و هم‌چنین گروه‌ها و جمعیت‌ها می‌خواهم صرف‌نظر از موضع خودشان نسبت به مسئله کاندیداتوری و کاندیداها، به‌طور فعال در انتخابات شرکت بکنند. چیزی که در این مرحله برای ما ارزش و اهمیت بسیار دارد، شرکت فعال کلیه نیروها و مردم است. در همین رابطه از تمامی هواداران و نیروهای سمپاتیزان و همین‌طور اعضاء می‌خواهیم که به‌طور فعال دامنه‌ی تبلیغات خودشان را تا روستاها و بخش‌های مختلف گسترش بدهند و برطبق آئین‌نامه‌ی انضباطی‌ای که توسط برادرمان گفته خواهد شد عمل کنند. در موضوع انتخابات دوسئله در ارتباط با ارگانها و نهادهای اجرائی همیشه بیشتر مورد نظر بوده و می‌باشد.

مسئله اول، استفاده از امکانات تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی، ما به این وسیله از رادیو و تلویزیون می‌خواهیم که در این برنامه‌ها بی‌طرفی کامل خود را حفظ بکند و امکانات مساوی در اختیار تمام کاندیداها قرار دهد.

مسئله دوم، مراحل مختلفی است که یک انتخابات به‌طور طبیعی طی می‌کند، که به‌طور مشخص به‌مسئولیت وزارت کشور مربوط می‌شود. یعنی از ابتدای انتخاب هیئت نظارت تا شمارش آراء و اعلام نتیجه در این رابطه ما مجدداً از وزارت کشور می‌خواهیم که کنترل دقیق و همه‌جانبه‌ای بر تمام این مراحل داشته باشد و مشخصاً

به شکایات و با نقطه نظرهایی که از طرف کاندیداها وارد می شود به طور یکسان رسیدگی کند.

موضوع دیگری که می خواستم بگویم اینست که با توجه به اینکه ما هیچ اتکاء و منبعی جز مردم و نیروها و افراد خودی نداریم، و همان طور که می دانید تبلیغات انتخاباتی احتیاج به منابع مالی دارد؛ به این وسیله از کلیه هواداران و نیروهای خودی و مردم تقاضا می کنیم که کمکهای نقدی خودشان را:

به حساب ۱۳۰۰ شعبه بانک صادرات واقع در پیچ شمیران

و یا به همین محل:

خیابان طالقانی - خیابان بندر انزلی - پلاک ۱۲

ارسال بکنند و فیش و یا رسید پولها و کمکهایی که ارائه می دهند برای ما

ارسال دارند.

آئین نامه‌ی انطباطی را برادرمان «مهدی ابریشمچی» برایتان می خواند.

**سخنان برادر مجاهد « مهدی ابریشم‌چی »  
« عضو کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران »**

همانطوری که برادر مجاهدمان «مسعود رجوی» ذکر کرد ما در شرایطی به سر می‌بریم که میهنمان در حال گذار از یک مرحله‌ی بسیار حساس و تاریخی در انقلاب شکوهمندش است. مرحله‌ای که اگر پیروزمندان طمی بشود، ضربه‌ای کاری نه فقط به منافع امپریالیزم در ایران، بلکه به منافع امپریالیزم در منطقه هم وارد خواهد آورد. به همین علت طبیعی است که امپریالیزم آمریکا آرام ننشیند و نقشه‌هایی برای ایجاد سد و مانع در مسیر انقلاب خلق ما طرح‌ریزی بکند. حرکت‌هایی که در آشوب‌های اخیر و همین‌طور حملاتی که به‌مراکز سازمان ما انجام شد— که عمدتاً از طرف عوامل C.I.A و ساواک بود— شاهد بودیم. طبیعی است که انجام موفقیت‌آمیز و اصولی انتخابات در فضای مالا مال از شور ضد امپریالیستی هم هرگز باب طبع امپریالیزم آمریکا نیست و تلاش خواهد کرد تا آنجا که بتواند به وسیله عواملش در مسیر این حرکت موانع و توطئه‌هایی ایجاد بکند. به همین دلیل، ما ضوابطی را به کلیه‌ی اعضا و هواداران خودمان ارائه می‌دهیم، و از نیروهای مردمی و انقلابی هم می‌خواهیم به این ضوابط که بدون شک می‌تواند در تحقق هر چه صحیح‌تر انتخابات ریاست جمهوری مفید باشد، توجه کافی بنمایند. در این زمینه از همه‌ی نیروهای انقلابی و مردمی، و بخصوص از دانشجویان پیرو خط امام که اخیراً نیز با پیام‌های وحدت‌طلبانه‌شان نقش بسیار مهمی در زمینه‌ی ایجاد وحدت و جلوگیری از تفرقه و توطئه داشته‌اند، انتظار داریم به‌سهم خود در این زمینه، وظیفه‌ی خویش را ایفا



کنند.

اولین نکته‌ای که باید ذکر کنیم این است که از نظرگاه ما، انتخاباتی که در آستانه‌ی آن قرار گرفته‌ایم، در حقیقت میدانی برای آزمایش و به‌ثبوت رسانیدن رشد سیاسی و توان دموکراتیک مردم ما است. بنابراین، تمام نیروهای انقلابی و مردمی، و بخصوص اعضاء و هوادارانمان، می‌باید ضمن شرکت در انتخابات، در زمینه‌ی فوق‌الذکر (یعنی به‌ثبوت رساندن رشد سیاسی و دموکراتیک خودشان) نیز تلاش کنند.

نکته‌ی دوم اینکه ما از پیش، هر نوع اخلاگری و بهم‌زدن فضائی که تأمین‌کننده‌ی آزادی انتخابات می‌باشد را، محکوم می‌کنیم. و مجدانه از مسئولین امر خواستاریم؛ هرکس را که به‌نام مجاهدین کمترین اخلاقی در امر انتخابات به‌وجود آورد، تحت تعقیب قرار داده و دستگیر نمایند. ما هم به‌سهم خود، در صورت برخورد با چنین اخلاگری‌هایی پیگیری و آنرا افشاء خواهیم کرد.

نکته سوم اینکه از نظر ما آرائی ارزشمند و محترم است که بر پایه‌ی آگاهی و آزادی توده‌ها، به‌دست آید؛ بنابراین، از کلیه‌ی اعضاء و هواداران خود می‌خواهیم که از کوچکترین رفتار غیراصولی که موجب لطمه‌زدن به‌این هدف می‌شود، پرهیز کرده و با انضباط کامل انقلابی و اسلامی در انتخابات شرکت بکنند، حتی نقش خودشان را در ایجاد فضای آزاد برای توده‌ها، جهت شرکت در انتخابات، ایفا نمایند.

آخرین و مهم‌ترین نکته‌ای را که می‌خواهیم یادآور شوم اینست که، ما هرگونه رأی جمع‌کنی مبتنی بر حقه‌بازی و تقلب و لوٹ‌کردن دیگران را پیشاپیش محکوم کرده و در این زمینه مؤکداً نظر هم‌هی نیروهای انقلابی و متعهد را به‌رهنمودهای رهگشای امام جلب می‌کنیم که در این زمینه فرموده‌اند:

«از آقایان کاندیداها و دوستان آنها انتظار دارم که اخلاق اسلامی و انسانی را در تبلیغ برای خود و کاندیدای خویش مراعات و از هرگونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد، خودداری نمایند. که برای پیشبرد مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از انگیزه‌های غیراسلامی است.»

همچنین نیز فرموده‌اند:

«من بسیار مایل هستم که گروه‌هایی که متعهد و معتقد به‌جمهوری اسلامی و

خدمتگزار به اسلام هستند، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیدها -  
بشان رعایت نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته  
باشند و از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند، که تفرقه و تشتت دوستان را نگران و  
دشمنان را کامیاب می کند و موجب تبلیغات سوء می شود.»

در ضمن باید یادآور شوم چون هر نوع کینه ورزی فردی یا گروهی از نظر ما  
محکوم و مردود است، از هواداران خود می خواهیم که در صورت برخورد با  
نمونه های تنگ نظری و شیوه های غیر اصولی، با سعه صدر و صبر انقلابی با مسئله  
روبرو شوند و برخوردهایشان را بر اساس اصول پایه ریزی کنند. طبیعی است که اگر  
اخلال ها و یا اقداماتی از طرف نیروهای وابسته به امپریالیسم، ساواک و سیا باشد،  
مسئله ای است جدا، که بایستی قاطعانه در مقابل آن ایستادگی کرد.  
گذشته از مسائل ذکر شده، رهنمودهای انضباطی را بطور دقیق تر، قبل از  
انتخابات چاپ و ارائه خواهیم داد.

در پایان، خبرنگاری سؤال زیر را مطرح کرد:

سؤال: در رابطه با کاندیداتوری برادرم آقای رجوی، سازمان در فراندوم

شرکت نکرده می خواهیم بینم ضابطه ای اجرای قوانین در چه چارچوبی است؟

جواب (مسعود رجوی): همچنانکه توسط هر دو نفر ما، خدمتتان عرض شد،

هر فرد انقلابی در این مورد برخوردش این است که در کادر قوانین مصوب و از  
طرقی معقول که در دسترس هست (و از قضا در رابطه با تدوین متمم که پیش بینی و  
تأیید شده است)، نقطه نظرهای خودش را عملی کند.